

# تأثیر طبقه اجتماعی در میزان آگاهی از حقوق شهروندی

(مطالعه موردی شهر بوشهر)

معصومه احمدی<sup>۱</sup>، ایرج ساعی ارسی<sup>۲</sup>

## چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر طبقه اجتماعی در میزان آگاهی از حقوق شهروندی (مطالعه موردی شهر بوشهر) است. نمونه این مطالعه ۴۵۹ نفر از شهروندان ساکن در شهر بوشهر می باشد که به شیوه نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای از بین شهروندان انتخاب گردیده است. روش پژوهش، پیمایش و ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته ای است که پس از طراحی، روایی آن توسط اساتید و متخصصین مورد تایید قرار گرفته و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شد. داده های حاصله با استفاده از آمار توصیفی مانند جداول یک بعدی توزیع

۱ - دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، گروه علوم اجتماعی پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A) گرایش جامعه شناسی

۲ - استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد و نمودار و تحلیل واریانس و رگرسیون دو متغیره همراه با ضرایب مورد نیاز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها نشان داد که:

- بین سطح تحصیلات و میزان آگاهی از حقوق شهروندی آنان  $3/27$  در سطح  $(p \leq 0.02)$  تفاوت معناداری وجود دارد.

- بین نوع شغل افراد و میزان آگاهی از حقوق شهروندی آنان  $1/79$  در سطح  $(p = 0.76)$  تفاوت معناداری وجود ندارد.

- بین سطح درآمد افراد و میزان آگاهی از حقوق شهروندی آنان با احتساب ضریب  $Beta (0.28)$  می توان گفت که اثر آن مثبت و بسیار ضعیف است. اما این تاثیر در سطح  $(p = 0.55)$  معنادار نیست.

- بین جنسیت افراد و میزان آگاهی از حقوق شهروندی آنان بر اساس آزمون  $t$   $0.252$  در سطح  $(p = 0.8)$  تفاوت معناداری وجود ندارد.

- بین گرایش سیاسی افراد و میزان آگاهی از حقوق شهروندی آنان  $18/24$  در سطح  $(p \leq 0.001)$  همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد.

بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد و میزان آگاهی از حقوق شهروندی آنان  $10/47$  در سطح  $(p \leq 0.01)$  همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد.

واژه های کلیدی: طبقه، طبقه اجتماعی، شهروند، حقوق شهروندی، آگاهی، آگاهی شهروندی.

## مقدمه

حقوق شهروندی که زیر مجموعه ای از حقوق اساسی انسان و حقوق بشر است دارای زوایای مختلف فلسفی، اجتماعی و سیاسی است که بررسی هرکدام از این رویکردها گوشه ای از چهره پنهان این مفهوم را روشن می کند. اما پرسش این است که با وجود اهمیت آگاهی مردم از حقوق شهروندی، آنها چقدر با حقوق ووظایفشان آشنا هستند وچه عواملی بر میزان آگاهی آنها تاثیر گذار است و اصولا آن قدر که به نباید هایشان واقفند نسبت به باید هایشان آگاه هستند .

تلاش برای پاسخگویی به پرسش های یاد شده ،بینش جامعه شناسانه ما را در باره سازوکارهای ارتقا آگاهی از حقوق شهروندی در جامعه ایران بهبود می بخشد . لذا پژوهش حاضر در صدد است که روشن سازد که آیا طبقه اجتماعی شهروندان تاثیری در آگاهی آنان از حقوقشان دارد یا خیر؟

## بیان مساله

امروزه در قرن بیست ویکم، انسانی را ملاحظه می کنیم که در گردونه ی پر پیچ و خم تاریخ سیر نه چندان هموار دستیابی به حقوق خود را طی نموده و توانسته است لقب شهروند و شهروندی را از آن خود نماید.

شهروندی، اصلی است که بر روابط دولت و اعضای جامعه نظارت می کند، یعنی از یکسو با امتیازات دولت و حقوق افراد و از دیگر سوبه مناسبات و فرایندهای تاریخی مربوط می شود. با این که شهروندی اعتبار خود را در جامعه مشخص می کند، اما همزمان، بر بسترهای اجتماعی که فرد در آنها رفتار می کند نیز تاکید دارد. به بیان دیگر، شهروندی پیوندهای میان فرد و جامعه را در قالب حقوق، تعهدات و مسئولیت ها منعکس می کند و چهارچوبی برای تعامل افراد، گروهها و نهادها ارائه می کند. (فالکس، ۲۰۰۰: ۱۶۷)

از آنجا که شهروندان هر جامعه، عناصر اصلی و بنیادین آن جامعه را شکل می دهند، بدون تردید دارا بودن شهروندانی که نسبت به حقوق و وظایف خود آگاه باشند و خود را نسبت به سر نوشت جامعه خویش، مسئول دانسته و در امور مختلف مربوط به آن مشارکت نمایند، ضامن بقای آن جامعه است.

نیاز به شهروندانی آگاه و فعال سبب شده است که شهروندی به یک تقاضای جهانی تبدیل شود. مفهوم شهروند به عنوان فردی که تعهداتش را نسبت به جامعه اش می پذیرد و ضمن حفظ حقوق اساسی خود، آگاه بودن را لازمه مشارکت خود می داند، راهی است که امروزه بسیاری از تشکلهای، مشروعیت خود را از طریق آن ممکن می دانند و ویژگی یک شهروند خوب آن قدر مهم است که باید در ابتدا و در بدو تولد توسط والدین و در مدرسه توسط معلمان و در جامعه توسط نهادهای مسئول همواره مدنظر قرار گیرد و آموزشها و آگاهیها ی لازم به افراد داده شود. (فتیحی و اجارگاه، ۱۳۸۸، ۴۳)

بر اساس نظریات و تحقیقات صورت گرفته در عرصه جامعه شناسی، در سطح جهانی و تحقیقات صورت گرفته در سطح ایران، به نظر می رسد، یکی از مهمترین عوامل عدم دستیابی شهروندان به حقوقشان، عدم آگاهی آنان نسبت به حقوق مورد نظر می باشد که منجر به عدم مشارکت و در نهایت کم رنگ شدن نقش شهروندی شده است.

لذا با توجه به اعلام نظر صاحب نظران امر، آگاهی از حقوق و تعهدات شهروندی زمینه انجام وظایف دو جانبه میان جامعه و افراد را فراهم می کند. شهروندان باید نسبت به حقوق و وظایف خود آگاه باشند تا حقوق خود را مطالبه و وظایف خود را به درستی انجام دهند.

آنچه که مسلم است، شهروندان به دلایل مختلف به صورت یکسان توانایی بهره برداری از حقوق خود را ندارند که از دلایل اصلی آن عدم آگاهی آنان نسبت به حقوقشان می باشد که این امر، هم افراد و هم جامعه را با مشکل مواجه می سازد. پس به منظور تحقق جامعه ای سالم، باید زمینه را

برای آگاهی از حقوق شهروندی فراهم نمود. عوامل متعددی می تواند بر آگاهی از حقوق شهروندی تاثیر گذار باشد که یکی از آنها می تواند طبقه اجتماعی افراد باشد.

هر چند مباحثی که در چهار چوب طبقات و اقشار اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته اند از حد و مرز دقیقا مشخصی بر خوردار نیستند، اما به دلیل تاثیر مستقیم و غیر مستقیم طبقات و اقشار اجتماعی در کلیه جوانب زندگی مادی و معنوی افراد، این مقوله ها از مباحثی هستند که همواره مشغله ذهنی بسیاری از خواص و عوام بوده اند. در اینجا نیز نگارنده بر آن است تا آن را مورد بررسی قرار دهد. حال سؤال اصلی این پژوهش این است که تاثیر طبقه اجتماعی در میزان آگاهی از حقوق شهروندی چگونه و به چه صورت است؟ و چه راهکارهایی برای ارتقای آگاهی شهروندان از حقوقشان می توان ارائه نمود؟

### پیشینه تحقیق:

با توجه به تلاشهای صورت گرفته در بخش واکاوی ادبیات پژوهش و ارجاع به پژوهش های تجربی و نظری که به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم مرتبط با موضوع پژوهش می باشند، ملاحظه گردید که هردو متغیر پژوهش چه طبقه و چه حقوق شهروندی به صورت جداگانه در برخی پژوهش ها مورد بررسی قرار گرفته اند. اما آنچه از پیشینه پژوهش انتخاب شده برای این پژوهش قابل دریافت است این است که در اکثر پژوهش های صورت گرفته طبقه اجتماعی بر مبنای طیف متفاوتی از معیارها تعریف شده است. مثلا در برخی از مطالعات یاد شده در بالا، طبقه اجتماعی تنها با یک معیار و آنهم معیار اقتصادی تعریف شده است که معرفیهایی مانند شغل و درآمد را در بر می گیرد. در پژوهشی دیگر مانند پژوهش لیپیست ترکیبی از معیارهای عینی، چون درآمد و حیثیت اجتماعی برای تعریف طبقه مدنظر بوده اند. رابرتز با ارائه پژوهش در کتاب ساختارهای طبقاتی گسیخته طبقه را صرفا با در نظر گرفتن متغیرهای مانند شغل و تحصیلات مورد بررسی قرار داده است و با استفاده از این متغیرها به نوعی تیپولوژی از طبقه متوسط دست یافته است. از طرفی وارنر در مطالعات خود به تقسیم بندی طبقات در جامعه برای مدل شش طبقه ای در پژوهش خود از متغیرهایی مانند اصل و نسب و تمکن و تحصیل و در آمد استفاده نموده است.

به طور کل می توان گفت که در بین همه پژوهشها در عصر جدید گرایش غالب این بوده است که طبقه اجتماعی به کمک یک یا چند معیار به اصطلاح عینی مانند درآمد، سطح تحصیلات و شغل تعریف شوند.

در این پژوهش با بهره گیری از تجربیات پژوهشی وارنر، رابرتز و لیپیست و انطباق آن با نظریات مارکس و و برسی در انتخاب رویکردی تلفیقی داریم تا بتوان طبقه را مورد ارزیابی قرار داد.

اگر بخواهیم وجوه تشابه و تفاوت پژوهش‌های صورت گرفته با این پژوهش را بر شماریم می‌توان در وجوه تشابه به این نکته اشاره نمود که استفاده از معرفیهایی چون درآمد، تحصیلات و شغل در هردو استفاده شده است ولی نقطه تفاوت آن دو این که در این پژوهش از متغیرهای دیگری چون گرایش سیاسی و پایگاه اجتماعی- اقتصادی که خود دارای مولفه‌هایی می‌باشد، استفاده شده است.

لذا پس از نقد اولیه از پژوهش‌های صورت گرفته در مورد طبقه می‌توان این نقد را به آن افزود که در داخل ایران تحقیقات متعدد دانشجویی و دانشگاهی در مورد طبقه اجتماعی صورت گرفته که اکثریت آنها از همان قالب‌های رایج در پژوهش‌های وارنر، رابرتز و دیگران استفاده نموده‌اند که فقط از معیارهای عینی، مانند شغل، درآمد و تحصیلات استفاده شده است و معیارهای ذهنی را نادیده گرفته‌اند که از نگاه نگارنده هردو معیار (ذهنی و عینی) برای بحث قشربندی اجتماعی لازم به نظر می‌آید که کتاب دکتر ربانی و انصاری (جامعه‌شناسی قشرها و نابرابریهای اجتماعی) اثری برجسته در این زمینه می‌باشد که طبقه را به طور کامل تبیین و توصیف نموده است.

همچنین با نگاهی گذرا به ادبیات پژوهش در مورد آگاهی از حقوق شهروندی، در این پژوهش، به نظر می‌رسد که پژوهش‌ها و مطالعات نظری صورت گرفته بیشتر در مورد شهروند و حقوق شهروندی بوده است، نه آگاهی به حقوق شهروندی، به نحوی که برخی مانند پارسونز به ارائه مهمترین عوامل موثر بر حقوق شهروندی مانند عام‌گرایی در برابر خاص‌گرایی با طرح متغیرهای الگویی پرداخته است و یا مارشال پس از تعریف شهروند به ارائه تیپولوژی سه‌گانه‌ای از حقوق شهروندی شامل حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی دست زده است. ترنر مطالعه شهروندی را در رابطه متقابل هویت، اجتماع، فضیلت مدنی و منابع پیگیری نموده است و کیث فالكس نوع خاصی از شهروندی را تحت عنوان شهروند پسا مدرن مطرح نموده و به طرح عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری آن می‌پردازد. در حالی که نظریات دارندورف و گای بیشتر به تشریح نظری شهروندی پرداخته‌اند.

در این پژوهش با استفاده از نظریات مارشال سعی شده است آگاهی از حقوق شهروندی مورد مطالعه قرار گیرد که مفهوم آگاهی بر گرفته از مفاهیم و نظریات جامعه‌شناسی شناخت در عرصه جامعه‌شناسی می‌باشد.

همانگونه که ملاحظه گردید در پژوهش‌های خارجی، آگاهی از حقوق شهروندی به صورت مستقیم مورد پژوهش قرار نگرفته و بیشتر تاکید بر شهروند و حقوق شهروندی بوده است و این از تمایزات اصلی این پژوهش می‌باشد. از طرفی دیگر پژوهش‌هایی در ایران در مورد شهروند، حقوق

شهروندی و آگاهی از حقوق شهروندی صورت گرفته که در صفحات قبلی نیز به آنها اشاره شده است که ضمن توجه به نقاط قوت آنها نقدهایی کلی نیز به آنها وارد است. و آن این است که تقریباً همه پژوهشگران از نظریه مارشال استفاده کرده اند ولی کار مستقلی، در مورد همخوانی و انطباق این نظریه با جامعه ایران صورت نگرفته است.

## مبانی نظری پژوهش

در این پژوهش با توجه به اینکه با دودسته از متغیرها سروکار داشتیم، برای تبیین متغیر طبقه اجتماعی از دیدگاه دودسته از نظریه پردازان یعنی کلاسیک ها و معاصران استفاده شده است. که کارل مارکس و ماکس وبر و موریس هالبواکس در رده کلاسیک ها جای می گیرند و دارندورف، گیدنز و بوردیو از معاصران محسوب می شوند که در این قسمت مناسبترین نظریه با توجه به متغیر مستقل ما که طبقه اجتماعی می باشد نظریات کارل مارکس و ماکس وبر می باشد

زیرا این دو نظریه پرداز طبقه اجتماعی را از طریق مولفه های شغل، تحصیلات، در آمد، سبک زندگی، شیوه تربیت فرزندان، نحوه گذران اوقات فراغت، نوع محل سکونت و محله آن و گرایش سیاسی مورد مطالعه قرار داده اند که این مولفه ها متغیر ما یعنی طبقه اجتماعی را به طور کامل پوشش می دهد.

و اما در مورد متغیر وابسته ما که آگاهی از حقوق شهروندی می باشد از نظریه پردازانی چون وبر، هابرماس، پارسونز، ترنر، کیث فالكس و مارشال بهره گرفته شده است.

وبر و هابرماس عنصر اساسی شهروندی را مشارکت می دانند. در واقع شهروندی بدون مشارکت، مسئولیت پذیری و احساس وفاداری نسبت به جامعه به وجود نمی آید. افراد دارنده ی منفعل حقوق نیستند بلکه احقاق حقوق، مستلزم مشارکت در امور مختلف جامعه و عمل به وظایف و تعهدات شهروندی می باشد.

قبل از اینکه شهروندان به وظایف و تعهدات شهروندی عمل کنند و در امور جامعه مشارکت کنند و بدنبال تحقق حقوق و اجرای تعهداتشان باشند، باید از حقوق، وظایف و تعهدات شهروندی خود آگاهی داشته باشند. چه بسایک شهروند، بدون آگاهی از یک حقی استفاده کند و در نتیجه خود را ملزم به انجام تعهدات متناظر با آن نداند و یا حقوقی برایش تخصیص داده شد باشد ولی به علت عدم آگاهی از آن استفاده نکند و یا متوجه نادیده گرفتن حقش در جامعه نشود. پس در مجموع اگر شهروندان از حقوق و وظایف خود آگاهی نداشته باشند، قادر نخواهند بود که مدعی استفاده از آن شوند. لذا در وهله اول مهم است که بدانیم آگاهی شهروندان از حقوق و وظایفشان به چه میزان است

و چه عواملی بر آگاهی آنان اثر گذار می باشد. با دانستن میزان آگاهی شهروندی، در واقع به ارائه توصیفی از جامعه در این مورد پرداخته می شود و عوامل مؤثر بر آن را مورد بررسی قرار می دهیم. طبق بررسی نظری موضوع، داشتن انواع منابع یکی از عوامل مؤثر بر آگاهی و عمل شهروندی می باشد. به عبارت دیگر شهروندی همواره به منابع وابسته است. از نظر ترنر منظور از منابع، منابع اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است.

منابع اقتصادی شامل شغل، درآمد و مسکن می باشد، منابع فرهنگی شامل؛ تحصیل و تعلیم و تربیت و منابع سیاسی شامل آزادی های زبانی مذهب، دین و حق گفتمان در حوزه عمومی می باشد. به نظر پارسونز در گذار جوامع سنتی به مدرن تغییراتی در جهت تحقق شهروندی در سطح فرد و ساختار پدید می آید.

بعبارت دیگر از نظر پارسونز شهروندی مدرن نباید به خاص گرایی هایی مثل تولد، جنسیت و قومیت محدود شود. به نظر وی در گذشته تفاوت های مبتنی بر مذهب و قومیت آنقدر مهم بود که تعیین می کرد چه کسانی عضو جامعه به شمار می آیند و از عضویت در آن محروم می گردند ولی در جامعه مدرن، وضعیت شهروندی شالوده کافی برای همبستگی ملی را فراهم می کند. بنابراین در نظریه پارسونز برای دستیابی به هویت شهروندی باید هنجارهایی عام مثل فعال گرایی و عام گرایی را گسترش داد. بدین ترتیب عام گرایی یکی از عوامل مؤثر بر آگاهی از حقوق شهروندی تلقی می شود. "حقوق شهروندی کامل" که توسط تی. اچ. مارشال در ۱۹۷۳، شرح و بسط داده شد، شامل حقوقی است که امروزه در اغلب کشورها آن را بدیهی می دانند، اما به دست آوردن آن ها زمانی دراز طول کشید و هنوز در همه ی کشورها به رسمیت شناخته نشده است. حقوق شهروندی کامل شامل موارد زیر است و تحقق آن ها در سطح کلان جامعه، موجب امنیت روانی برای شهروندان و آحاد جامعه می گردد:

۱- حقوق مدنی (شامل آزادیهای فردی، آزادی بیان و مذهب، حق مالکیت و حق دادرسی یکسان برای همگان در برابر قانون) است.

۲- حقوق سیاسی (حق رای، حق شرکت در انتخابات، امکان انتخاب شدن و حق مشارکت سیاسی)

۳- حقوق اجتماعی (حق طبیعی هر فرد برای بهره مند شدن از حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت، شامل حقوقی مانند دسترسی به تسهیلات بهداشتی و درمانی، تأمین اجتماعی، حقوق ایام بیکاری و تعیین دستمزد مشخص)



اگرچه ادبیات نظری مفصلی در ارتباط با شهروندی وجود دارد ولی آنچه که مبنای این پژوهش در مورد متغیر حقوق شهروندی می باشد نظریات تی.اچ. مارشال است. دلیل انتخاب چنین نظریه ای علاوه بر جامع بودن آن، این است که به نظر می رسد تعریف مارشال به شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران نزدیک است.

## روش تحقیق:

در این پژوهش از روش اسنادی و روش پیمایش استفاده گردیده است. از روش اسنادی، برای بررسی مفاهیم کلیدی و نظریات مربوط به موضوع پژوهش و از روش پیمایش، برای بررسی چگونگی توزیع روابط متغیرهای پژوهش استفاده شده است و از آنجا که تعمیم پذیری نتایج، یکی از ویژگی های اصلی و عمده پژوهش های پیمایشی است، بنا براین برای این پژوهش با این حجم نمونه مناسب ترین روش می باشد. جامعه آماری این پژوهش افراد ساکن در شهر بوشهر است که تعداد آنها ۱۶۹۹۶۶ نفر می باشد.

در این پژوهش نیز به منظور تعیین تعداد مناسب افراد نمونه، که معرف جامعه ی آماری باشد، از فرمول کوکران استفاده شده است. که براساس این فرمول، حجم نمونه ما، ۳۸۳ نفر می باشد. روش نمونه گیری انتخابی در این پژوهش، روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای می باشد. در مرحله اول به استناد طرح تفصیلی شهر بوشهر مصوب سال ۱۳۸۹ و مورد تایید سازمان مسکن شهرسازی استان بوشهر و شهرداری بوشهر شهر بوشهر به دو بخش شمالی با ۶ ناحیه و ۲۸ محله و بخش جنوبی با ۴ ناحیه و ۱۵ محله تقسیم گردیده که با توجه به اینکه بخش شمالی دارای کاربری بیشتر مسکونی بوده و بیشتر جمعیت ساکن در شهر بوشهر در این بخش ساکن می باشند از بین دو بخش ذکر شده بخش شمالی انتخاب گردید و از میان ۶ ناحیه سه ناحیه به طور تصادفی انتخاب گردید و از درون این نواحی سه گانه که هر کدام به چندین محله تقسیم می شدند ۷ محله به ظاهر متفاوت از لحاظ، اجتماعی - اقتصادی به شرح ذیل انتخاب شدند:

در ناحیه ۱ از مجموع ۲ محله فقط محله بافت قدیم انتخاب گردید.

در ناحیه ۴ از مجموع ۶ محله ۳، محله به نامهای سنگی غربی، عاشوری و جفره انتخاب گردید.

در ناحیه ۶ از مجموع ۶ محله ۳ محله به نامهای باغ زهرا، بیسیم و باغ نار انتخاب گردید.

نکته قابل ذکر اینکه در توزیع پرسشنامه ها با توجه به میزان جمعیت محلات وسهم آن در جمعیت ناحیه وهمچنین براساس نسبت جنسی (زن-مرد) به صورت تسهیم به نسبت عمل شده است.

در این پژوهش از پرسشنامه برای اندازه گیری مفاهیم و متغیرها استفاده شده است. روشهای مختلفی برای بررسی اعتبار وجود دارد که در اینجا از روش اعتبار صوری بهره گرفته شده است. منظور از اعتبار صوری میزان توافق متخصصان یک امر در رابطه با یک شاخص یا معیار است. در این پژوهش نیز پس از طراحی سئوالات، آنها را در اختیار استاد راهنما و چند تن از متخصصین قرار داده شد که روایی سئوالات توسط آنان تایید گردید.

پژوهشگر از روایی سا زگاری اجزاء استفاده کرده که مشهور ترین آزمون برای روایی سازگاری اجزاء عبارتست از ضریب آلفای کرونباخ، که در این پژوهش از آن استفاده گردیده است. سئوالات مورد استفاده جهت سنجش پایگاه اجتماعی در این پژوهش برگرفته از تحقیقات انجام شده می باشد که در ایران توسط محققین درسالهای گذشته استفاده شده واز نظر روایی مورد تایید قرار گرفته است و به صورت نمونه از کار انجام شده توسط دکتر مقدس استفاده شده است. روش گردآوری اطلاعات با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق ساخته ای است که ازدو بخش تشکیل شده، دربخش نخست، ویژگیهای جمعیت نمونه «پاسخگویان» نظیر سن، تحصیلات، میزان درآمد و... ، و دربخش دوم به سئوالات اصلی پژوهش پرداخته خواهد شد و تاثیرمتغیرهای مستقل ووابسته بررسی خواهد شد.

برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی و استنباطی بهره گرفته شده است  
الف) آمار توصیفی: در آمار توصیفی از شاخصهای مانند جداول یک بعدی توزیع فراوانی، درصد، میانگین و انحراف استاندارد استفاده شده است.  
ب) آمار استنباطی: در آمار استنباطی از آزمون f-آزمون T، آزمون تعقیبی توکی، تحلیل واریانس یکطرفه و رگرسیون دومتغیره استفاده شده است.  
واحد تجزیه و تحلیل این پژوهش، افراد سا کن در شهر بوشهر می باشد.

### مفاهیم:

در این پژوهش عضویت در طبقه اجتماعی به عنوان جایگاه فرد برحسب میزان بهره مندی از سرمایه اقتصادی واجتماعی به صورت یک شاخص ترکیبی تعریف شده است.

در طبقه اجتماعی ملاک تشخیص نوع طبقه اجتماعی فرد، میزان بهره مندی او از معیارهای عینی و ذهنی طبقه یعنی تحصیلات، درآمد، شغل، پایگاه اجتماعی، گرایش سیاسی در نظر گرفته شده است.

پایگاه اجتماعی نتیجه ارزی است که جامعه به یک نقش اجتماعی می دهد. به عبارت دیگر پایگاه اجتماعی نتیجه ارزش گذاری عمومی جامعه است نسبت به شخص ایفا کننده نقش. (آگ برن ونیم کف، ۱۳۸۰: ۲۰۲)

در این پژوهش پایگاه اجتماعی از طریق شاخص های درآمد، شغل، تحصیلات، نوع مسکن و محله مسکونی مورد سنجش قرار گرفته است.

با توجه به بررسی اولیه نگارنده در مشاوره ها و بنگاه های معاملات مسکن در سطح شهر بوشهر، کسانی که در منطقه باهنر و مدرس بوشهر ساکن هستند در صورتی که اجاره نشین هم باشند جزء طبقه بالا محسوب می شوند و سایر مناطق نیز به همین صورت دسته بندی شده اند. این متغیر براساس محل سکونت پاسخگو و خیابان محل سکونت در شهر بوشهر، در سؤال شماره ۱۱ مورد پرسش قرار گرفته است.

## گرایش سیاسی

گرایش سیاسی در این پژوهش عبارت است از مجموعه باورها و نگرشها ی افراد نسبت به ارزشها و عملکرد جناحهای سیاسی در سطح جامعه .

این متغیر از طریق ۱۰ گویه با مقیاس پنج درجه ای (کاملاً مخالف، مخالف، بی نظر، موافق، کاملاً موافق) در سؤال شماره ۱۲ سنجیده شده است. این گویه ها عبارتند از :

موافقت با مسئولین جامعه در هر شرایط ، رضایت از وضعیت جامعه ، مخالفت با آزادی روزنامه ها ، تاکید به فرد به جای تاکید به آداب و رسوم جامعه ، واگذاری امور به بخش خصوصی ، لزوم وجود احزاب متعدد در جامعه ، دیدگاه افراد در مورد روزنامه های کیهان و اطلاعات ، نظر افراد در مورد هفته نامه های استان مانند نسیم جنوب و نصیر ، نظر افراد در مورد هفته نامه های محلی استان مانند لیان و صدای بوشهر ، عدم وجود محدودیت در برابر سلیق سیاسی افراد.

## حقوق شهروندی

به نظر مارشال، شهروندی پایگاهی است که به تمامی افرادی که عضو تمام عیار اجتماع هستند، داده شده است. این افراد همگی دارای جایگاه برابر و حقوق، وظایف و تکالیف متناسب با این پایگاه هستند.

## آگاهی

آگاهی عبارت است از مجموعه ای از اطلاعات منظم، تفسیر شده و مرتبطی که هر یک از ما آن را دارا هستیم. (کولتر، ۱۳۶۹: ۱۹۷)

برای سنجش آگاهی از حقوق شهروندی ۱۵ گویه مطرح شده که پاسخگویان در یک مقیاس پنج درجه ای (خیلی زیاد، زیاد، تا حدودی، کم، خیلی کم) در سوال شماره ۱۳ به آنها پاسخ داده اند. متغیر آگاهی از حقوق مدنی از ۵ گویه (آزادی بیان و عقیده، آزادی فردی، آزادی مذهب، حق دادرسی یکسان و برابری در برابر قانون) و آگاهی از حقوق سیاسی از ۵ گویه (حق تشکیل گروههایی وانجمنها و احزاب، حق رای، حق مشارکت در تصمیم گیریهای جامعه، حق انتخاب شدن در تمام مناصب انتخابی) و آگاهی از حقوق اجتماعی از ۵ گویه (حق برخورداری از امکانات «شغل، مسکن و بهداشت»، فرصتهای آموزشی برابر، برخورداری از تامین اجتماعی «بازنشستگی، پیری و بیماری»، همکاری در امور شهر و آموزش رایگان به دست می آید.

## یافته ها:

مطابق با داده های بدست آمده از نظر متغیر جنسیت، نشان می دهد که ۵۳/۴ درصد از کل آزمودنی مرد و ۴۶/۶ درصد بقیه زن می باشند.

از نظر میزان تحصیلات می توان گفت که ۴ درصد از کل پاسخگویان بیسواد بوده، ۷ درصد دارای سواد خواندن و نوشتن، ۱/۷ درصد پنجم ابتدایی، ۶/۳ درصد سوم راهنمایی، ۳۱/۸ درصد دیپلم، ۲۳/۵ درصد فوق دیپلم، ۲۹/۶ درصد لیسانس و ۵/۹ درصد فوق لیسانس و بالاتر می باشند. بیشترین نسبت پاسخگویان دارای تحصیلات لیسانس بوده اند.

بر اساس داده های بدست آمده در مورد متغیر سن می توان گفت که سن ۶/۵ درصد از کل پاسخگویان ۲۰ سال و کمتر، ۴۵/۵ درصد بین ۲۱ تا ۳۰ سال، ۳۰/۷ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۱۱/۳ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال و ۵/۹ درصد ۵۱ سال به بالا می باشد. میانگین سن پاسخگویان ۳۲/۵۹ سال و انحراف استاندارد آن ۹/۶۸ سال می باشد.

از نظر وضعیت تأهل ۳۰/۵ درصد از کل پاسخگویان مجرد، ۶۷/۵ درصد متأهل، ۱/۵ درصد همسر فوت شده و ۴/۴ درصد مطلقه می باشند. بیشترین نسبت پاسخگویان دارای متأهل بوده اند. متغیر وضعیت اشتغال نشان می دهد که ۶۵/۱ درصد از کل پاسخگویان شاغل، ۲/۸ درصد محصل، ۷/۲ درصد دانشجو، ۱/۱ درصد بازنشسته، ۲۰ درصد خانه دار و ۳/۵ درصد بیکار می باشند. بیشترین درصد پاسخگویان شاغل بوده اند.

متغیر گروه های شغلی نشان می دهد که ۷ درصد از کل پاسخگویان در مشاغل علمی، فنی و تخصصی، ۲/۲ درصد مدیران علی رتبه اداری، ۴۴ درصد مشاغل اداری و دفتری، ۷/۸ درصد مشاغل بازرگانی و فروشندگی، ۱/۱ درصد مشاغل خدماتی، ۴/۴ درصد کشاورزی و دامپروری، ۳/۷ درصد در مشاغل تولید و حمل و نقل مشغول به فعالیت بوده اند. ۳۵/۷ درصد از کل پاسخگویان در سایر گروه های شغلی (غیر شاغل و مشاغل دیگر) می باشند. بیشترین درصد پاسخگویان در مشاغل اداری و دفتری مشغول به خدمت بوده اند.

بر اساس داده های بدست آمده می توان گفت که ۲۸/۵ درصد از کل پاسخگویان بدون درآمد بوده اند و میزان درآمد ماهیانه ۳/۵ درصد از کل آزمودنی ها ۲۰۰ هزار تومان و کمتر از آن، ۱۹/۲ درصد ۲۰۱ تا ۴۰۰ هزار تومان، ۲۳/۱ درصد ۴۰۱ تا ۶۰۰ هزار تومان، ۱۶/۸ درصد ۶۰۱ تا ۸۰۰ هزار تومان، ۷/۲ درصد ۸۰۱ تا یک میلیون تومان و ۱/۷ درصد بیش از یک میلیون تومان می باشد. بیشترین درصد پاسخگویان فاقد درآمد ماهیانه بوده اند.

داده های نشان می دهد که منزل مسکونی ۵۵/۶ درصد از کل آزمودنی آپارتمانی و ۴۴/۴ درصد بقیه ویلایی می باشد.

متغیر نوع تصرف منزل مسکونی نشان می دهد، نوع تصرف منزل مسکونی ۵ درصد از کل پاسخگویان موقوفه، ۲/۴ درصد فامیلی، ۸/۹ درصد رهن و اجاره، ۲۹/۲ درصد سازمانی و ۵۴/۵ درصد ملکی می باشد. بیشترین نسبت پاسخگویان دارای منزل مسکونی ملکی یا شخصی بوده اند. متغیر محله نشان دهنده آن است که ۱۷/۹ درصد از کل پاسخگویان در منطقه قدیم شهر، ۱۰/۲ درصد در منطقه جفره، ۲۱/۶ درصد در منطقه عاشوری، ۱۰ درصد در منطقه باغ زهرا، ۱۵/۳ درصد در منطقه سنگی، ۱۲/۶ درصد در منطقه بیسیم و ۱۲/۴ درصد در منطقه باغ نار سکونت داشته اند.

در مورد گرایش سیاسی پاسخگویان مشاهده می شود ۵/۷ درصد از کل پاسخگویان دارای گرایش سیاسی چپ، ۶۷/۱ درصد مستقل و ۲۷/۲ درصد راست بوده اند. بیشترین نسبت پاسخگویان

دارای گرایش سیاسی مستقل بوده اند. میانگین نمره گرایش سیاسی پاسخگویان ۲۸/۲۸ و انحراف استاندارد آن ۴/۶ می باشد.

در مورد متغیر آگاهی از حقوق شهروندی مشاهده می شود میزان آگاهی ۲ درصد از کل پاسخگویان از حقوق شهروندی شان کم ، ۸/۹ درصد متوسط و ۸۹/۱ درصد زیاد می باشد. بیشترین نسبت پاسخگویان آگاهی آن ها از حقوق شهروندی زیاد بوده است . میانگین نمره آگاهی پاسخگویان از حقوق شهروندی شان ۵۰/۰۱ و انحراف استاندارد آن ۱۰/۸۷ می باشد.

داده های در مورد متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی نشان می دهد که پایگاه اقتصادی - اجتماعی ۱۶/۱ درصد از کل پاسخگویان پایین ، ۵۱/۹ درصد متوسط و ۳۲ درصد بالا می باشد. بیشترین نسبت پاسخگویان دارای پایگاه اجتماعی متوسط بوده اند. میانگین نمره پایگاه اجتماعی پاسخگویان ۱۷/۰۳ و انحراف استاندارد آن ۵/۴ می باشد.

در فرضیه اول که به بررسی رابطه بین سطح تحصیلات افراد و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی شان می پردازد نتایج حاصل از تحلیل واریانس یکطرفه نشان می دهد که اختلاف مشاهده شده بین میانگین آگاهی پاسخگویان از حقوق شهروندی شان بر حسب میزان تحصیلات آن ها در سطح  $(P < / 0.02)$  معنی دار است. بنابراین فرضیه فوق تایید شد. با توجه به میانگین آگاهی پاسخگویان از حقوق شهروندی شان بر حسب سطح تحصیلات آن ها می توان گفت که میزان آگاهی پاسخگویان با تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر از حقوق شهروندی شان از میزان آگاهی سایر پاسخگویان بیشتر می باشد. نتایج آزمون توکی نیز نشان می دهد که اختلاف مشاهده شده بین میانگین آگاهی از حقوق شهروندی پاسخگویان با تحصیلات سوم راهنمایی و فوق دیپلم ( تفاوت میانگین این دو گروه ۷/۵ و  $(P < / 0.18)$  ) ، سوم راهنمایی و لیسانس ( تفاوت میانگین این دو گروه ۷/۳۶ و  $(P < / 0.17)$  ) معنادار می باشد.

در فرضیه دوم که به بررسی رابطه بین نوع شغل افراد و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی شان می پردازد نشان می دهد که اختلاف مشاهده شده بین میانگین آگاهی پاسخگویان از حقوق شهروندی شان بر حسب نوع شغل آن ها در سطح  $(P = / 0.76)$  معنی دار نیست زیرا سطح معناداری بدست آمده بزرگتر از ۰/۰۵ است. بنابراین ، فرضیه فوق رد شد.

در فرضیه سوم که رابطه بین سطح درآمد افراد در میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی شان سنجیده شده که با توجه به ضریب Beta می توان گفت که متغیر سطح درآمد افراد بر میزان آگاهی آن ها از حقوق شهروندی شان اثر مثبت و بسیار ضعیفی دارد اما این تاثیر در سطح  $(P = / 0.55)$  معنی دار نیست زیرا سطح معناداری بدست آمده از ۰/۰۵ بزرگتر است. بنابراین ، فرضیه فوق رد شد.

در فرضیه چهارم که رابطه بین جنسیت افراد و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی شان بررسی شد، مشاهده شد که اختلاف مشاهده شده بین میانگین آگاهی پاسخگویان مرد و زن از حقوق شهروندی شان بر اساس آزمون t در سطح ( $P=0/8$ ) معنی دار نیست زیرا سطح معناداری از ۰/۰۵ بزرگتر است. بنابراین، فرضیه فوق رد شد.

در فرضیه پنجم که رابطه بین گرایش سیاسی افراد در میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی شان بررسی شد با توجه به ضریب Beta می توان گفت که متغیر گرایش سیاسی افراد بر میزان آگاهی آن ها از حقوق شهروندی شان اثر منفی دارد به این معنا که هر چقدر گرایش سیاسی افراد به گرایش چپ نزدیکتر شود، میزان گرایش سیاسی افراد بر میزان آگاهی آن ها از حقوق شهروندی شان نیز بیشتر می شود. این تاثیر در سطح ( $P<0/001$ ) معنی دار است. با توجه به مقدار  $R^2$  می توان گفت که متغیر گرایش سیاسی افراد، ۳/۸ درصد از واریانس آگاهی افراد از حقوق شهروندی شان را تبیین نموده است.

در فرضیه ششم که رابطه بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد در میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی شان مورد بررسی قرار گرفت با توجه به ضریب Beta می توان گفت که متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد بر میزان آگاهی آن ها از حقوق شهروندی شان اثر مثبت دارد به این معنا که با ارتقاء پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد، میزان آگاهی آن ها از حقوق شهروندی شان نیز بیشتر می شود. این تاثیر در سطح ( $P<0/01$ ) معنی دار است. با توجه به مقدار  $R^2$  می توان گفت که متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد، ۱۵ درصد از واریانس آگاهی افراد از حقوق شهروندی شان را تبیین نموده است.

### پیشنهاد های تحقیق:

زمینه های لازم برای شناسایی مولفه های حقوق شهروندی فراهم گردد که در این فرایند بعنوان یک وظیفه مهم بایستی شرایط لازم را برای مشارکت و اظهار نظر متخصصان و کارشناسان امر جهت تدوین و تبیین شاخصه های بنیانی و کاربردی آن مهیا گردد. نکته قابل ذکر در این زمینه اینکه بایستی از پتانسیلهای نهادهایی چون آموزش و پرورش، دانشگاهها، مراکز علمی، پژوهشی، صدا و سیما، شهرداریها و سایر نهادهای ذیصلاح استفاده نمود.

راهکار عملی در باره این پیشنهاد این است که نهادهای فوق الذکر ترتیبی اتخاذ نمایند تا فعالیتهای پژوهشی و فرهنگی به طور عام و اولویتهای پژوهشی آنها به طور خاص در جهت موضوعات مرتبط با شناسایی مولفه های حقوق شهروندی در ایران سمت و سو یابد.

- با توجه به اینکه میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه مستقیمی با موقعیت طبقاتی افراد جامعه دارد باید تدابیری اتخاذ گردد تا شاخصهای ارتقا طبقه اجتماعی اعم از درآمد، شغل، تحصیلات، پایگاه اجتماعی و آگاهی سیاسی در سطح جامعه مورد بررسی قرار گیرد و در نهایت پس از شناخت نقاط ضعف، قوت، تهدید و فرصتها، راهکارهای عملی برای تغییر وضعیت موجود طبقاتی در سطح جامعه فراهم گردد. که این امر به عنوان یک راهکار عملی بایستی توسط مسولین ذیربط به ویژه قوای سه گانه مورد توجه قرار گیرد.
- از آنجا که این پژوهش صرفا به بررسی تاثیر طبقه اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی پرداخته است و با توجه به اهمیت مقوله آگاهی از حقوق شهروندی، ضروریست شرایط به نحوی فراهم گردد تا دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا نسبت به مطالعه عوامل دیگر موثر بر آگاهی از حقوق شهروندی، همت گمارند. راهکار عملی در باره این پیشنهاد می تواند این باشد که، اولویتهای پژوهشی دانشگاهها و مراکز علمی و پژوهشی به نحوی برنامه ریزی شود که، این مقوله جزء اولویتهای پژوهشی قرار گیرد، تا با انجام تحقیقات بنیانی و کاربردی چشم اندازی وسیع تر در مورد موضوع کسب شود.
- بر اساس یافته های پژوهش ملاحظه گردید گرایش سیاسی افراد در میزان آگاهی از حقوق شهروندی آنان تاثیر گذار بوده، بنابراین پیشنهاد می گردد شرایطی در جامعه فراهم گردد تا افراد بتوانند در ارائه دیدگاههای سیاسی و طرح گرایشات سیاسی خود به نحو آزادانه ای عمل نمایند. و تلاشی در این راستا صورت گیرد تا محدودیتهای و عوامل باز دارنده مرتفع گردد.
- یافته های پژوهش نشان داد که بین سطح تحصیلات افراد و آگاهی از حقوق شهروندی شان تفاوت معناداری وجود دارد. لذا پیشنهاد می گردد زمینه های لازم برای ترغیب و تشویق افراد به یادگیری و تحصیلات بالاتر فراهم گردد، که راهکار عملی آن، تسهیل شرایط برای تحصیل تمام افراد جامعه به استناد قانون اساسی و همچنین تاسیس مراکز آموزشی در مناطق مختلف به ویژه مناطق کمتر توسعه یافته با در نظر داشتن موضوع رشد همزمان کمیت و کیفیت در عرصه آموزش می باشد.
- از آنجایی که آگاهی از حقوق شهروندی امری لازم و ضروری برای افراد یک جامعه قلمداد می شود، پیشنهاد می گردد برای آشنایی افراد جامعه به مقوله حقوق شهروندی و مباحث مربوط به آن، در بین کتب درسی آموزش و پرورش، مطالبی متناسب با دوره و حجم کتب گنجانده شود.



- در نهایت به نظر می‌رسد در صورتی که محدودیتهای زمانی، نیروی انسانی و مالی که همواره پایان نامه های دانشجویی با آن درگیر هستند برطرف گردد، بتوان روشهایی به کاربرد که اطلاعات بدست آمده عمیق و دقیق تر باشد. نکته قابل توجه اینکه استفاده از روشهای کیفی در کنار روشهای کمی در مطالعه بهتر و بیشتر می‌تواند به نتایج واقعی تر و عمیق تر پژوهش منجر شود.

## منابع:

- آشتیانی، ملیحه وهمکاران (۱۳۸۵): لحاظ کردن ارزشهای شهروندی در برنامه درسی برای تدریس در دوره ی دبستان، تهران، فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۱۷.
- احمدی، فخرالسادات (۱۳۸۳): بررسی تاثیر آگاهی از حقوق وتعهدات شهروندی در شهر بر فرایند تحقق حقوق شهروندی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهرا.
- اشرف، احمد؛ بنو عزیز، علی (۱۳۸۷): طبقات اجتماعی، دولت وانقلاب در ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران، انتشارات نیلوفر.
- ۷- باغستانی برزکی، حوریه (۱۳۸۷): بررسی تاثیر آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی بر توسعه شهروندی فعال وپاسخگویی وشفافیت شهرداری، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تهران.
- براتعلی پور، مهدی ( ۱۳۸۴ ) : شهروندی و سیاست نو فضیلت گر، تهران، موسسه مطالعات ملی.
- بللو، روبیر ( ۱۳۷۰ ) : شهروندی و دولت، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- پیران، محمود (۱۳۷۶): شهرشهروندمدار، اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره ۱۹۹-۱۲۰.
- تامین، ملوین (۱۳۸۱): جامعه شناسی قشربندی ونابرابری های اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، نشر توتیا.
- توسلی، غلام عباس؛ نجاتی حسینی، سید محمود ( ۱۳۸۳ ): واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران، تهران، مجله جامعه شناسی، دوره پنجم، شماره ۲: ۳۲ - ۶۲.
- خدابنده لو، سعید (۱۳۷۲): جامعه شناسی قشرها ونابرابریهای اجتماعی، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، مشهد.
- حاجی نیا، احمد نور (۱۳۸۶): بررسی عوامل موثر بر آگاهی وعمل شهروندی جوانان (۱۸- ۲۹)شهر بندر عباس، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ذاکری، زهرا (۱۳۸۶): شناخت تاثیر طبقه اجتماعی بر نگرش نسبت به جریان نوگرایی در شهر اصفهان، مجله جامعه شناسی کاربردی، تهران، دانشگاه اصفهان، شماره ۲۱ بهار ۱۳۸۹.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۰): اخلاق شهروندی، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، تهران، موسسه نشر کلمه، شماره ۵.

- ربانی، رسول؛ انصاری، ابراهیم (۱۳۸۸) : جامعه شناسی قشرها و نابرابریهای اجتماعی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- ساعی ارسی، ایرج (۱۳۸۹) : مهارتهای نوشتاری پژوهش در علوم اجتماعی، تهران، نشر بهمن برنا.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۲) : وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران، رساله دکتری جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- فاطمی نیا، سیاوش (۱۳۸۶) : فرهنگ شهروندی محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۲۶.
- فالکس، کیث (۱۳۸۱) : شهروندی و جامعه سیاسی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، انتشارات کویر.
- فتحی و اجارگاه، کورش (۱۳۸۲): ویژگیهای شهروند خوب برای جامعه ایران و میزان انطباق برنامه های درسی با این ویژگیها، فصلنامه علوم انسانی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی شماره ۳.
- گورویچ، ژرژ (۱۳۵۷): مطالعاتی درباره طبقات اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران، انتشارات خوارزمی.
- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۳) : واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران (۱۳۸۰ - ۱۳۷۶) ، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات.
- Dahrendorf ,r.(1974) citizenship and beyond:the social dynamics of an Idea social research ,vol47.
- Foulks,keith.(2000) citizenship,routledge,London.
- Habermas,j.(1994) the philosophical discourse of modernity polity press.
- Habermas,j.(1992) "citizenship And national identity:some reflection on the future of in praxis in ternational"vol, 12.
- Marshall,t.h.(1964) class ,citizenship and social development ,routledg ,London.
- Oldfield,Adrian.(1990) citizenship and community,civic and modern world ,routledg ,London.
- Parsons.talcott.(1965) full citizenship for the negro American sociological problem daetdavs,vol,94.
- turner.bryan.s.(1990) outlines of a theory of citizenship ,sociology vol, 24.

- turner,bryan.s and peter Hamilton .(1994) citizenship critical consept ,routledge ,london.
- warner,w.lioyd.(1957) the study of social stratification,review of sociology ,newyork.